

**A look at the educational status of maidservants in the first era of the
Abbasid Caliphate (132-232 A.H.)**

Samia Aghamohammadi¹ / Sayeda Laila Taqvi Sangdehi² / Leila Mohammadi³

(DOI): [10.22034/MTE.2021.10560.1442](https://doi.org/10.22034/MTE.2021.10560.1442)

Abstract

Original Article

P 118 - 134

In the first era of the Abbasid caliphate, concubines were found in abundance in the houses of caliphs, nobles and other classes of society. They were a group that were captured through trade and buying and selling or captivity in wars and sudden attacks and other ways. Often, the treatment of this class was accepted by everyone and was accepted in the society. Sometimes they were bought and sold like goods, and sometimes they were given to each other as gifts, each of them had a price that was according to their beauty, talent and art. Some of these maids were singers, musicians, hairdressers, nurses, or politicians. Therefore, the education and training of slave girls was given attention because it increased their price and value, in fact, the education and training of slave girls became one of the most profitable jobs. This article aims to answer the main question by examining the education status of slave girls in the first Abbasid era (132-232 A.H.): How was the education of slave girls in the Abbasid era? The findings of this research show that the education and training of slave girls in this period was also in line with specific goals such as: selling pride to others in debates, achieving great wealth, physical acquisition and most importantly, taking control of the narrative command from the caliphs for their owners, etc.

Key words: slave girls, education, Abbasid caliphate, slavery, Islam .

1 - PhD student of History and Civilization of Islamic Nations, Ferdowsi University, Mashhad, Iran

somayyeaghamohammadi@yahoo.com

2 - Assistant Professor of Islamic History Department, Zanjan University, Iran

sanghdehi@yahoo.com

3- Assistant Professor of Azad University, Abhar Branch, Abhar, Iran

mohammadi_52_history@yahoo.com

Received: 2022/04/05 | Accepted: 2022/07/18



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

نگاهی به وضعیت آموزشی کنیزان در عصر اول خلافت عباسی (۱۳۲-۵۲۳۲ ق)

سمیه اقامحمدی^۱ | سیده لیلا تقوی سنگدهی^۲ | لیلا محمدی^۳

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/MTE.2021.10560.1442](https://doi.org/10.22034/MTE.2021.10560.1442)

علمی - پژوهشی

ص: ۱۳۴/۱۱۸

چکیده

در عصر اول خلافت عباسی، کنیزان در خانه خلفا، امرا و سایر اقشار جامعه به وفور یافت می شدند، آنها دسته ای بودند که از راه تجارت و خرید و فروش و یا اسارت در جنگها و تهاجمات ناگهانی و راههای دیگر به تصرف در می آمدند. غالباً رفتاری که با این طبقه می شد، مورد قبول همگان بود و در جامعه پذیرفته شده بود. گاهی آنها را مانند کالا خرید و فروش می کردند و گاهی به یکدیگر هدیه می دادند که هر یک از آنها بهایی داشت و آن مطابق با زیبایی و استعداد هنر آنها بود بعضی از این کنیزان آوازه خوان، ساز زن، آرایشگر، پرستار، و یا سیاستمدار بودند. از این رو، تعلیم و آموزش کنیزان مورد توجه قرار گرفت زیرا قیمت و ارزش آنها را می افزود در واقع آموزش و تربیت کنیزان به یکی از کارهای پر سود تبدیل گردید. این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی در نظر دارد تا با بررسی وضعیت آموزشی کنیزان در عصر اول عباسی (۱۳۲-۲۳۲ ه.ق) به این پرسش اصلی پاسخ دهد که: آموزش کنیزان در عصر عباسی چگونه بود؟ یافته های این پژوهش نشان می دهد که آموزش و پرورش کنیزان در این دوره نیز در راستای اهداف خاصی مثل: فخر فروشی بر دیگران در منازعات، رسیدن به ثروت کلان، تکسب جسمانی و مهم تر از همه در دست گرفتن اختیار فرمان روابی از خلفا برای صاحبانشان و غیره بود.

کلید واژگان: کنیزان، آموزش، خلافت عباسی، برده داری، اسلام

۱ - دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران. somayyegahmohammadi@yahoo.com

۲ - گروه تاریخ اسلام دانشگاه زنجان، ایران. sanghdehi@yahoo.com

۳ - گروه تاریخ دانشگاه آزاد واحد ابهر، زنجان، ایران. mohammadi_52_history@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۷



مقدمه

بررسی جایگاه کنیزان در دوره خلافت عباسی نقش برجسته و کمرنگ آنها در جامعه عباسی را به ما نشان می‌دهد که چگونه شخصیت آنان تحت تاثیر تغییر و تحول در جهان بینی ها و ایدئولوژی های حاکم بر جامعه عصر عباسی قرار گرفته است.

کنیزکان، زنان و دخترانی بودند که در جنگ ها به دست مسلمانان اسیر می‌گشتند ایشان کنیز و مسلمان می‌شدند اگر چه نسبت آنها به پادشاه می‌رسید مسلمانان آنها را به خدمتکاری برگزیده و گاهی نیز آنان را مانند کالا خرید و فروش می‌کردند و به یکدیگر هدیه می‌دادند هر کدام از آنها بهای مشخصی داشت و این بهاء مطابق با زیبایی و با هنر آنان بود بعضی از آنها آوازه خوان، ساز زن، آرایشگر، پرستار و یا سیاستمدار بودند (زیدان، ۱۳۷۹، ج ۵: ۸۹۰-۸۸۹)

در دوره خلافت عباسی این کنیزان به همه خانه های معتبر راه یافته بودند و بیشتر زنان با نفوذ نیز از کنیزان بودند و رجال درباری و مردم ثروتمند نیز به خلفا اقتدا کرده و کنیزان را به جای زن بر می‌گزیدند و هرکنیزی که فرزند می‌آورد آزاد میشد و اگر فرزند کنیزان به مقامی می‌رسید تمام اختیار به دست آن کنیز می‌افتاد چنان که بسیاری از خلفای عباسی کنیز زاده بودند و مادرانشان همه نوع نفوذ و قدرت داشتند. شجاع مادر متوکل از خوارزم بود، مادر مستعین اسلاو بود (مسعودی، ۱۳۸۵، ج ۴: ص ۱۴۴) مادر منتصر دورگه یونانی و حبشی بود مادر مهتدی رومی و مادران مکنتی و مقتدر از نژاد ترک بودند (حتی، ۱۳۴۴: ص ۴۲۰)

بنابراین، برده فروشان تجارت کنیزان را توسعه دادند و از دورترین شهرها کنیز وارد می‌کردند و با توجه به مزایایی که داشتند خرید و فروش میشدند. به همین دلیل تعلیم و آموزش بردگان و کنیزان نیز مورد توجه بسیاری از تاجران برده قرار گرفت و هر یک از این کنیزان را مطابق استعدادشان هنرهایی به ایشان می‌آموختند زیرا به وسیله تعلیم و آموزش قیمت و ارزش آنها افزایش پیدا می‌کرد (ممتحن، ۱۳۵۶: ۱۲۷). از سویی دیگر بسیاری از کنیزان خانگی نیز در خانه مجبور بودند به خدمات خانگی بپردازند و بر روی زمین‌های مزروعی کار نمایند (انصاف پور: ۱۳۵۹، ص ۲۰۳) و به پرستاری اطفال و ترتیب و رسیدگی به امور خانه و کارهای زنانه مانند بافتن و دوختن مشغول باشند و شرایط سختی را تحمل کنند و جایگاه سخیفی در خانه داشته باشند. به عبارتی اکثر کنیزان اصلا تحت آموزش قرار نمی‌گرفتند.

در مورد وضعیت آموزشی کنیزان کارهای پراکنده‌ای صورت گرفته است. در میان پژوهشهای معاصر، مقاله «بررسی تاریخ زندگی اجتماعی و فرهنگی کنیزان از صدر اسلام تا پایان قرن

آقا محمدی و همکاران : نگاهی به وضعیت آموزشی کنیزان در عصر اول ... ۱۲۱

چهارم) نوشته کژال میرآبادی و عباس احمدوند و مقاله «نقش کنیزان رامشگر در موسیقی قرون اولیه اسلامی دوره اموی و عصر عباسی» نوشته نرگس ذاکر جعفری، مقاله «سنخ شناسی عملکرد سیاسی زنان در دستگاه خلافت عباسی» نوشته علیمحمد ولوی و.. مقاله «پدیده قهرمانگی در عصر عباسی» نوشته عباس احمدوند و زهرا امیر بیشتر مطالبی در مورد جایگاه سیاسی و اجتماعی کنیزان دارند و در مورد وضعیت آموزشی این قشر اطلاعات اندکی می دهند، لذا کارهای صورت گرفته در حوزه کنیزان ضرورت انجام پژوهش حاضر را مرتفع نخواهند ساخت.

نگاهی کوتاه به جایگاه کنیزان در عصر اول عباسی

استفاده از کنیزان در تاریخ اعراب به پیش از اسلام باز می‌گردد (تاریخ اجتماعی ایران، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۶۸) در دوره اسلامی و با ظهور اسلام مسلمانان اجازه یافتند زنان کافران و زنان کافری که همسرانشان را در جنگ از دست داده بودند را تصرف نمایند. به همین دلیل تعداد کنیزان در این عصر زیاد شده بود (حلی، ۱۴۲۹، ۹۲). در عصر عباسی نیز خرید و فروش کنیزان در بازارهای برده فروشی از جمله بازار بغداد رونق داشت (حسن ابراهیم حسن، ۱۳۷۶، ص ۳۴۳). در دوره عباسی کنیزان را می‌توان در چند دسته تقسیم کرد؛ کنیزان درباری، کنیزان میکده‌ها، کنیزان ساحر، کنیزان مجلس قراطیسی و محل حضور شاعران، کنیزانی که در منزل اغنیا و فقرا بودند و به کارهای سخت مشغول بودند (طبری: ۱۳۷۵، ج ۱۲/۵۱۹۳؛ دیوان منتهی، ۱۳؛ امین: ۱۴۲۹، ۸۰، ۶۹-۸۱؛ ضحی الاسلام، ۸۱؛ انصاف پور: ۱۳۵۹، ۲۰۳). از این رو القابی که به کنیزان تعلق گرفت را می‌توان به شرح ذیل توصیف نمود: - جاریه: در لغت به معنای دختر و زن جوان و در اصطلاح به معنای کنیزک می‌باشد. همچنین به معنی دائم، خورشید، کشتی، چشم هرجانور، نعمت خداوند بر بندگان، باد و ستاره آمده است. (ابن منظور: ۱۳۷۵، ۳۸۵/۴) ضمناً جاریه به زن بسیار جوان و شاید بکر هم گفته میشد (همان، جلد ۱۴، ص ۱۴۲) شاید کنیز از آن روی جاریه نامیده می‌شد که همواره به سرعت در حرکت بود تا دستورات مالک را انجام دهد. (بندر ریگی: ۱۳۷۴، ۱۸۸)

- نخاس: به تاجر کنیز نخاس گفته می‌شد. نخاس مشتق از نَخَس است در لغت به معنی سیخک زدن و برانگیختن چهار پا است. واژه "نخاس" در اصل بر فروش چهار پا دلالت دارد و شاید چون کنیزان به عنوان کالا و ابزاری کم ارزش تلقی می‌شدند و برای صاحبانشان جایگاهی همانند چهارپایان داشتند، به آن‌ها نخاس می‌گفتند. (اصفهانی، ۱۴۱۴؛ ج ۱؛ زیدان، ۱۳۶۹؛ ۸۹۲؛ امین، پرتو اسلام، جلد ۲، ص ۱۳۰) و برخی از مولفان مانند جاحظ کنیز دار و کنیز فروش را «مقین» می‌

نامد(جاحظ، رساله القیان، ص ۱۳۸)

بنا بر این، کنیزان با توجه به جایگاهشان در گروههای متعددی دسته بندی می شدند که عبارتند از:-- کنیزان درباری که امکانات، تفریح، نوع پوشش آنها با مابقی زنان جامعه فرق داشت(طبری: ۱۳۷۵، ج ۵۱۹۳/۱۲) و عموماً آنان زیبا و در عین حال آموزش دیده و تعلیم یافته بودند. - کنیزانی که در مکانی که امروز به عنوان میکدهها معروف می باشد، جمع می شدند. - کنیزانی در مکان های عمومی و در خیابان ها و حتی در خانه فقرا به چشم می خوردند. کنیزانی که از طبقه ی ساحران بودند و عموماً در مکانی جمع می شدند و با ترفندهای متفاوت مثل نوشتن اشعار نرم و لطیف بر روی پارچه ها و میوه ها و دادن دسته گل یا شاخه گل دیگران را به سمت خود جذب می کردند(امین: ۱۴۲۹، ۸۰-۸۱؛ نک. دیوان متنبی، ۱۳). - کنیزان مجلس قراطیسی بود که محفل انس شاعران بود و ابونواس، ابوالعاهیه، مسلم و شاعران هم طبقه آنان به منزل او می رفتند و نزد او جمع می شدند و به عیش و نوش می پرداختند و او به خاطر آنان کنیزکان آوازه خوان را دعوت می کرد(امین: ۱۴۲۹، ص ۶۸). - کنیزانی بودند که به هیچ کدام از این طبقات تعلق نداشته و از اقبال زیادی برخوردار نبودند، به این علت که آنان از مطربی، زیبایی، تربیت، هنر و نژاد بی بهره بودند. این دسته در زیر فشار کارهای دشوار جانفرسای و محرومیت کامل زندگی مشقت بار و سیاهی می گذراندند. این کنیزان را پس از خریدن یا اسیر گرفتن در کارگاههای صنعتی و روی زمین های مزروعی و خدمات خانگی به شدت مورد بهره کشی قرار می دادند(انصاف پور: ۱۳۵۹، ۲۰۳).

۳. اهداف آموزش کنیزان

آموزش فرآیندی نهادینه شده و منظم را به ذهن متبادر می سازد که به صورت همگانی از سنین کودکی آغاز می شود و تا اوایل جوانی ادامه می یابد و هدف از آن آماده کردن نسل جدید برای زندگی اجتماعی و آموختن مفاهیم اساسی زندگی است. لذا اطلاق آموزش برای پرورش استعدادها در کنیزان کمی کلی گرایانه و از روی ناچاری است، چرا که هدف از آموزش کنیزان آماده کردن آنان برای زندگی اجتماعی و آموزش مفاهیم اساسی زندگی نبود. بلکه هدف بهره برداری و گرانبهاتر کردن کنیزان بود (کاظم نیا، ۱۴۵: ۱۳۸۷) لذا باید دید اهداف صاحبان کنیزان در عصر اول عباسی از آموزش کنیزان چه بود.

۳ . ۱ . آموزش جهت نفوذ در دربار

از ویژگی‌های دوره عباسی وفور کنیزان در دربار خلفا بود. این کنیزان قبل از رفتن به دربار تحت تعلیم قرار گرفته، موسیقی و آواز و رقص یاد می‌گرفتند. عموماً هدف از رفتن برخی از این کنیزان به دربار هدف سیاسی بود. بسیاری از والیان و فرمانروایان دخترانی را که در ایالات زیر فرمان آن‌ها زندگی می‌کردند، دست چین کرده و روانه‌ی بغداد می‌کردند تا به این وسیله‌ها صاحبان خود را در رسیدن به مقاصدشان یاری نمایند (مسعودی: ۱۴۰۹، ج ۲/۱۷۲) و آنان بتوانند در دربار نفوذ کنند؛ زیرا زنانی که به بهترین نحو آوازه خوانی و رقص بلد بودند و از زیبایی بهره‌ای داشتند می‌توانستند اختیار فرمانروایی را از خلفا بگیرند.

برخی از کنیزان آوازخوان و تعلیم دیده که وارد دربار عباسی می‌شدند، به راحتی می‌توانستند دین و دنیای خلفا را برابیند، بر تصمیم‌گیری‌های خلفا تأثیر بگذارند و خلفا تمام تلاش خود را می‌نمودند تا آسایش و امنیت آنان را فراهم نمایند، هنگام بیماری بهترین طبیبان را برای درمان آن‌ها به بغداد فرامی‌خواندند و قبل از اعزام به نبرد سفارش آنان را به نزدیکترین افراد خود می‌نمودند از جمله این کنیزان می‌توان اشاره نمود به؛ دنانیر کنیز و آوازخوان دوره هارون الرشید، ذات الخال کنیز هارون الرشید، هیلانه کنیز منصور، منصوره کنیز مأمون (کحاله، صص ۲۴، ۱۹۲، ۱۳۰، ۲۷۲) ضعیفه کنیز مهدی، حسنه کنیز مهدی، حسنه کنیز هادی، ضعف کنیز امین، تزیف کنیز مأمون، علیا کنیز معتصم، قلم الصالحیه کنیز واثق، فریده الصغری کنیز واثق (بووا: ۱۳۸۰، ۶۹؛ حلیبی: ۱۴۲۹، ۱۴۷؛ ابن عبدربه: ۱۴۲۸-۱۴۲۹، ۴۲۸)؛ البدوی، ۱۹۹۸، صص ۱۷۶، ۱۴۳، ۱۹۹، ۲۰۳، ۱۶۱، ۲۶۷، ۹۹

سه تن از کنیزان هارون الرشید به نام‌های سحر، ضیا و خنت بر او نفوذ زیادی داشتند (خفاجی: ۱۴۱۰، صص ۸۶) و هارون الرشید به درخواست‌های آنان پاسخ مثبت می‌داد. مکنونه کنیز نیز بر خلیفه مهدی چیره بود (الاغانی: بی تا، ج ۲/۲۵۳).

بخشی از کنیزانی که در دربار حضور داشتند و عموماً هم زیبا و آموزش دیده بودند؛ اگر درست تربیت شده بودند به راحتی می‌توانستند حتی خلفا را متمایل به ازدواج با خود نمایند. چنان که در عصر اول عباسی از ۹ خلیفه‌ای که خلافت نمودند مادر ۶ خلیفه کنیز بود و از این ۶ خلیفه به جز منصور عباسی مادر مابقی همسر خلیفه نیز بودند؛ چنانچه مادر ابوجعفر منصور، (سلامه بربریه)، مادر هادی و هارون (خیزران)، مادر مأمون (مراجل کنیزک بادغیسی) مادر معتصم (مارده) و مادر واثق (قراطیس) از کنیزان بودند و به عنوان کنیز به قصر خلیفگان راه یافتند و سپس خلفا با آنان ازدواج نمودند (دینوری: ۱۴۲۶، ۳۸۱؛ اصفهانی: بی تا، ۱، ۳۵۲؛ طبری: ۱۳۷۵، ۱۴، ۵۹۹۷)؛

مسعودی، ۱۳۷۰، صص ۴۱۷، ۲۸۴؛ الرحیم، ۱۳۷۰، ص ۶۸۳).

علاوه بر حضور کنیزان در دربار خلفای عباسی، در منابع سخن از حضور کنیزان در منزل امامان شیعی هم دوره با عصر اول عباسی یعنی امام صادق، امام موسی کاظم، امام رضا، امام جواد و امام هادی (ع) شده است و برخی از این کنیزان پس از ورود به منزل امامان آزاد شدند و به همسری امامان درآمدند و مادر چند تن از امامان کنیز می باشد. چنانچه حمیده بربریه مادر امام کاظم (ع)، نجمه یا همان تکتم مادر امام رضا، و سبیکه یا خیزران یا دُره از اهالی نوبه مادر امام جواد و سمانه مغربیه مادر امام هادی (ع) بودند (قمی، ۱۹۸، ۱۳۶۱-۲۰۰؛ امین، ۱۴۰۳، ج ۲، صص ۳۶، ۳۲، ۱۳، نوبختی، ۱۴۰۴، ۷۶-۹۳)

به نظر می رسد عوامل متعدد از جمله نفی نظام اشرافی و رفع تبعیض میان عرب و غیر عرب، دستیابی به پیوند نژادی با ملت های دیگر، مبارزه عملی با برده داری و... سبب ازدواج امامان با کنیزان آزاد شده خود بود و علاوه بر امامان گفته شده، امام سجاده (ع)، امام حسن عسگری (ع) و امام زمان (عج الله) نیز مادرشان زمانی کنیز بود (نجاتی، ۱۳۹۶، ۱۱۷-۱۲۵)

از میان این کنیزان که بعد از آزادی به همسری خلفا درآمدند خیزران مادر هارون الرشید در دوره اش بسیار قدرت داشت (طبری: ۱۳۷۵ ج ۴، ص: ۱۱۸۵؛ لطائف الطوائف، ص ۱۷۲؛ زیدان: ۳۳۴، ۱۳۶۹-۳۳۶) او در کارهای ادبی و اجتماعی چون موسیقی و آواز نیز با مردان همچشمی می کرد (حتی: بی تا، ۴۲۱-۴۲۲) مارده مادر معتصم نیز از جمله این کنیزان منتفذ بود، او که بسیار زیبا و شاعر بود، بر همسر خود هارون نیز مسلط بود (کحاله، بی تا، ج ۵، ص ۶۴)

۲.۳. آموزش جهت کسب درآمد

در عصر عباسی، صاحبان کنیزان آنان را به اساتید برجسته می سپردند. استادان نیز به اهمیت و درآمدزایی این کنیزان واقف بوده و تمام کنیزان واجد شرایط آموزش را به راحتی پذیرا بودند؛ چنان که نقل شده در خانه ابراهیم موصلی ۸۰ کنیز وجود داشت که او به تمام آنان فن خواندگی، ساز و آواز را می آموختند (ضیف: ۱۳۸۴، ۶۷).

این استادان نهایت تلاش و دقت خود را داشتند تا کارآموزانی مجرب و آزموده تربیت نمایند؛ چراکه مهارت آنان در موسیقی دانی بهای آنان را چندین برابر افزایش می داد (امین: ۱۴۲۹، ۹۲). روایت شده است فردی کنیزی را به مبلغ سیصد دینار خرید و او را نزد ابراهیم بن مهدی فرستاد تا خواندگی آموخت. بعد از آموزش بهای او به سه هزار دینار رسید. عریب و دحمان آوازه خوانان معروف

آقا محمدی و همکاران : نگاهی به وضعیت آموزشی کنیزان در عصر اول ... ۱۲۵

این دوره بودند که بسیار ارزان خریدارای شده و بعد از آموزش به ترتیب ده و پنج هزار دینار فروخته شدند. علت افزایش این قیمت این بود که این استادان تمام فنون موسیقی، ساز و آواز را به کنیزان می‌آموختند و ضمناً آنان انواع اشعار عرب را نیز یاد می‌گرفتند (همان). بعد از اتمام آموزش‌های اولیه، برای افزایش قیمت کنیزان آن‌ها را به «سربندها، گیس‌بندها، نوارهای زلف، میان‌بندها، زنارها، دستمالها و کفشها زیبا...» مزین و برای زینت و جلب توجه بیشتر دستها و پاها را با حنا و رنگ‌های دیگری می‌آراستند و سپس آنان را عازم دربار خلفا و سایر بزرگان دولتی می‌کردند (زیدان: ۱۳۶۹، ۹۸۷؛ غزالی طوسی: ۱۳۶۱، ۲۰۱).

تمام این شگردها و تعلیمات تاثیر به‌سزایی در قیمت این کنیزان داشت و خلفا، امرا و دیگران حاضر بودند در برابر هنرنمایی‌های آنان بالاترین هزینه‌ها را پرداخت نمایند. چنان‌که نوشته‌اند محمد امین به جعفر بن هادی درباره فروش بذل، کنیزک زیبا اصرار کرد ولی جعفر حاضر به فروش نشد. نوشته‌اند بهای او را تا آن اندازه بالا برد که یک قایق طلا داد و این قیمت بالاترین قیمتی بود که به کنیز داده شد. آن طلا بیست میلیون درهم یعنی بیش از یک میلیون دینار می‌ارزید (زیدان: ۱۳۶۹، ۹۸۷؛ غزالی طوسی: ۱۳۶۱، ۲۰۱).

۳.۳. آموزش به منظور جاسوسی

در مواردی خلفا کنیزان را برای امر جاسوسی آموزش می‌دادند، مأمون یکی از برجسته‌ترین خلفای دوره عباسی است که کنیزان را در دسته‌های گوناگون برای جاسوسی به بسیاری از دربارها می‌فرستاد (ممتحن: ۱۳۹۶، ۱۵۰؛ زیدان: ۱۳۶۹، ۸۹۲). همچنین خلفا برای آزمودن میزان اعتماد و وفاداری اتباع و کارگزارانشان، کنیزان خوبروی به آن‌ها اهدا می‌کردند. آن‌ها مأمور بودند اعمال و رفتار درباریان را زیر نظر بگیرند و خبرهای لازم را به اطلاع سلطان وقت برسانند.

اگرچه منابع تنها به یک مورد از جاسوسی کنیزان اشاره کرده‌اند و آن اینکه یعقوب بن داوود وزیر مهدی از جانب خلیفه ماموریت یافت که مردی علوی را بکشد و یکی از کنیزکان مهدی که به ظاهر خلیفه او را به یعقوب داده بود اما در اصل جاسوس خلیفه مهدی بود، اطلاعات او را به خلیفه داد که سبب حبس و گرفتاری و عزلش از مقام وزارت شد (ابن طباطبا، ۱۳۶۰: ۲۵۴-۲۵۳؛ ولوی، ۱۳۹۶: ص ۱۴۳) اما به نظر می‌رسد موارد متعددی از این دست با توجه به حضور تعداد زیادی از کنیزان دربار رخ داده باشد.

همچنین کنیزان از سوی صاحبان خود مسئول رساندن پیغام به صاحبان نفوذ و امرا و.. بودند

چنانچه؛ زبیده از طریق یکی از کنیزان خود به نام خالسه برای علی بن حمزه کسائی که مسئولیت تأدیب پسرش محمد امین و برادرش عبدالله مامون را از طرف هارون الرشید داشت، پیغام می فرستاد که در تعلیم و تربیت محمد بکوشد و او را آماده خلافت بعد از پدرش نماید (دینوری، بی تا، ص ۲۳۵).

۳. ۴. آموزش به منظور تجمل گرایی

یکی از اهداف آموزش کنیزان تجمل گرایی بود. زنان برای تجمل، کنیزان زیادی را می خریدند به عبارت دیگر کنیز مانند دیگر کالاها و اشیا در شمار اقلام مهریه یا جهیزیه دختران در می آمد. (ممتحن: ۱۳۹۶، ۱۸۸) و از مابین کنیزان، به ویژه کنیزان هنرمند و رامشگر وسیله تجمل، تفاخر و مباهات صاحبان خود بودند (تاریخ الادب العربی، الجزء الثانی، صفحه ۳۸؛ کاظم نیا، ۱۳۸۹، صص ۳۸، ۴۲) روایت شده است که زبیده همسر هارون برخی کنیزان را آموزش داده و آنان را لباس مردانه می پوشانید، آنان را موظف می کرد همانند غلامان، عمامه، قبا، کمر بند بسته و لباس مردانه پوشیده و گیسوان خود را مانند زلف غلامان، پیچ پیچ و طره طره نمایند. زبیده آن ها را (مقدودات) می نامید و زنان امیران و بزرگان بغداد و سایر نقاط، از او تقلید کرده، برای کنیزان خود، قبا زربفت و عمامه و کمر بند زرین ساخته آن ها را به لباس مردانه در می آوردند و دسته هایی به نام غلامیات و مطمومات و... از این کنیزان غلام نما در حرم سرا پدید می آوردند (فاخوری: بی تا، ۲۷۱)

۴. حیطه های آموزشی کنیزان

بخشی از جامعه کنیزان در عصر اول عباسی آموزش می دیدند. البته در انتخاب این آموزش آزادی عمل نداشتند و برحسب نظر و اهداف صاحبان خود آموزش می یافتند و همچنین مواد آموزشی آنها محدود بود. لذا حیطه هایی که کنیزان آموزش می دیدند، اهمیت دارد چرا که به نوعی پیوستگی و وابستگی با اهداف آموزش کنیزان دارد.

۴. ۱. آموزش قرآن

در عصر عباسی گاهی صاحبان کنیزان آنان را تشویق به حفظ قرآن می نمودند. آموزش قرآن البته با توجه به بافت مذهبی جامعه عصر عباسی در تمام مدارس و مکاتب مورد توجه بود و کنیزان نیز از این قاعده استثنا نبودند. لذا بعضی از آنان در این زمینه متخصص شده و قرآن را با صدای

آقا محمدی و همکاران : نگاهی به وضعیت آموزشی کنیزان در عصر اول ... ۱۲۷

خوش می‌خواندند، چنان‌که زبیده همسر هارون صد کنیز قرآن خوان داشت که هریک از آنان قسمتی از قرآن را با آواز نیکو از حفظ می‌خواند و هرگاه کسی از کنار کاخ زبیده می‌گذشت، صدای این کنیزان را مانند آهنگ زنبور عسل از کندو می‌شنیدند (زیدان: ۱۳۶۹، ۸۹۲).

۴. ۲. آموزش علوم

در دوره عباسی صاحبان کنیزان به برخی از آنان فقه، احکام، شعر، نحو، عروض و سایر علوم را می‌آموختند (فروخ: بی تا، ۳۸) و این کنیزان را در این زمینه‌ها متخصص بار می‌آوردند. البته آموزش علوم کمتر مورد توجه صاحبان کنیزان بود چرا که عموماً صاحبان کنیزان به جنبه‌های جنسیتی کنیزان بیشتر توجه می‌کردند تا آنکه به فرهیخته و عالیم بودن کنیزان اهمیت دهند. در پاره‌ای از موارد، به قدری برخی از کنیزان دانشمند و ادیب می‌شدند که ادب دوستان و شاعران از دور و نزدیک به خدمت آنان می‌شتافتند و از محضرشان استفاده می‌کردند. در تاریخ عباسی، تعدادی از این کنیزان را می‌توان یافت همانند تردد، کنیز زیبا و پر استعداد مامون که در یکی از مناظرات شرکت کرده و با موفقیت به تمام سوالات طب، هیئت، فلسفه، موسیقی، ریاضیات، نحو، بلاغت، شعر، تاریخ و قرآن پاسخ داده و از امتحان سربلند خارج شد (امین: ۱۴۲۹، ۱، ۹۲). یا کنیزی که اسحاق بن ابراهیم موصلی داشته است و نامش در منبع نیامده است اما گفته اند آنقدر صاحب دانش و فرهنگ بود و امرای مناطق مختلف خواستار آن بودند و در نهایت نیز اسحاق او را آزاد کرد و با او ازدواج نمود و همه فرزندان او از این زن بودند (ابن طباطبای: ۱۳۶۰، ۲۷۷-۲۸۰).

۴. ۳. آموزش موسیقی، آواز خوانی و شعر

موسیقی ماخوذ از «Moosika» یونانی یا «Musica» لاتینی است و ریشه آن «Mosa» یا «Misse» می‌باشد که نام یکی از نه رب النوع اساطیری یونان است (برهان قاطع، جلد ۴، ص ۲۰۵۲)

در دوره‌های نخستین اسلامی علما ریاضیات را به چهار نوع تقسیم می‌کردند و نوع چهارم را «علم موسیقی» می‌خواندند، و تعریف موسیقی را چنین می‌کردند که موسیقی، علمی است ریاضی یا صنعتی است که از احوال نغمات از حیث تألیف و توافق و تنافر آنها و احوال ازمنه و فواصلی که در خلال نغمات حادث می‌شود، بحث می‌کند (تاریخ اجتماعی ایران، ج ۷، ص: ۱۵۵)

در هر صورت موسیقی هنری ظریف و زیبا بود، و ذیل موسیقی موسیقیدانان راه به‌کار بردن

ادوات موسیقی، روش شناختن اصوات، و هماهنگ کردن آنها را می‌آموختند (سفرنامه شاردن ج ۳ ۹۷۵)

علاقه عباسیان به موسیقی، موجب آن شد که کنیزان عموماً فنون غنا و طرب را بیاموزند و بیشتر کنیزان آموزش دیده عصر عباسی که نامشان در منابع آمده است در این زمینه آموزش دیدند. در عصر اول عباسی صاحبان کنیزان توجه خاصی به آموزش موسیقی و معلمان آن‌ها داشتند و کنیزان را نزد استادان مشهور و صاحب سبک آن عصر همانند ابراهیم و اسحاق موصلی، ابن جامع و دیگران می‌فرستادند تا به آن‌ها ساز و آواز بیاموزد. صاحبان این کنیزان و سایر بزرگان دولت هدایای فراوان به این استادان می‌بخشیدند و در این راه فراوان اسراف می‌کردند؛ چرا که می‌دانستند آموزش کنیزان توسط این استادان منافع بسیار بیشتری از بذل و بخشش‌های آنان دارد. بر این اساس به ابراهیم موصلی، علاوه بر حقوق جاری وی که ده هزار درهم در ماه بود، از آموزش کنیزان ۲۴ میلیون درهم رسید (امین: ۱۴۲۹، ۱، ۹۲). ابراهیم موصلی که خود جزو مغنیان و موسیقیدانان برجسته عصر عباسی بود متولد سال ۱۲۵ هجری در کوفه بود که البته اصالت او به فارس می‌گردد و مادرش از طبقه دهقانان ایران بود که به همراه پدرش ماهان به کوفه مهاجرت کرد و در کوفه ابراهیم جزو مغنیان و موسیقیدانان برجسته گشت (اصفهانی: ۲۰۰۲، ۲ / ۳۸۹-۳۹۰). او کنیزان زردپوست، سیاهپوست و سفیدپوست را آموزش نوازندگی و خوانندگی می‌داد و در خانه خود هنرستانی داشت که دختران را تعلیم آواز و عود نوازی می‌داد. از جمله کنیزان نوازنده و خواننده عصر اول عباسی می‌توان عاتکه بنت شهده اشاره نمود که مادرش نیز جزو مغنیان دربار امویان و خلیفه ولید بن یزید بود (اصفهانی: ۲۰۰۲، ۲ / ۷۶۲) همچنین میتوان به متیم هشامیه، عاتکه، عریب مأمونیه، عبیده، دنابیر اشاره کرد (ذاکر جعفری، ۱۳۹۷: ۲۲۳-۲۲۹).

برخی از این کنیزان نوازنده و شاعر پیش خلفا بسیار عزیز بودند از جمله آنان می‌توان به دنابیر اشاره کرد. وی که زادگاهش مدینه بود توسط یحیی بن خالد برمکی وزیر مشهور دوره هارون الرشید خریداری شده بود. او موسیقی را از بزرگان آن زمان از جمله ابراهیم و اسحاق موصلی و ابن جامع آموخت و از سرآمدان زمان خودش در شعر و ادب نیز بود و هارون الرشید مدام برای شنیدن صدایش به مهمانی‌های یحیی برمکی می‌رفت. او پس از قتل برمکه از خواندن امتناع می‌کرد و به خاطر همین ابتدا مورد غضب هارون الرشید قرار گرفت اما پس از مدتی عفو شد (اصفهانی، ۱۴۱۵: ۱۸ / ۲۵۸؛ کحلله، بی تا: ج ۱ / ۴۱۴-۴۱۵) یا می‌توان به عریب مأمونیه اشاره کرد که مغنی دربار مأمون بود و گفته اند او ضمناً شاعر، ادیب بود و بازی شطرنج و نرد میدانست و نزد مأمون و سپس معتصم

آقا محمدی و همکاران : نگاهی به وضعیت آموزشی کنیزان در عصر اول ... ۱۲۹

بسیار عزیز بود. او احتمالا دختر جعفر بن یحیی برمکی بود که بعد از زوال برامکه مامون او را خرید (ابن کثیر: ۱۴۰۷، ۱۱ / ۶۰).

کنیزان در عصر اول عباسی از طرق مختلف در پیشبرد موسیقی نقش داشتند از جمله؛ تعلیم از موسیقی دانان مشهور و انتقال آن به دیگران و گسترش موسیقی در جامعه، آموزش به کنیزان دیگر و حتی مردان، ساخت آهنگ‌های نو و بدیع و... (ذاکر جعفری، ۱۳۹۷: ۲۲۳-۲۲۹)

در هر صورت بر حسب فضای جامعه آن زمان عباسی تعداد زیادی کنیز آوازخوان و موسیقیدان در جامعه به ویژه دربار خلفا و بزرگان حضور داشتند. در منابع آمده است فقط در دربار هارون الرشید حدود سیصد کنیز آواز خوان و موسیقی دان بودند (زیدان، ۱۳۶۹: ۳۳۳).

چون تعلیم آواز، مستلزم حفظ اشعار عرب بود، تعلیم فنون و ادب نیز رواج گرفت، در برخی موارد کنیزان به قدری در این قسمت پیشرفت می کردند که خودشان شعر می سرودند و مضامین بکر ابداع می کردند (امین: ۱۴۲۹، ۹۲). از سویی کنیزان خود به شعر خوانی و آوازخوانی می پرداختند و از سویی دیگر کنیزان وسیله‌ای مناسبی برای سرودن هجویات و نیز ستایش های مبالغه آمیز و باطل شاعران به منظور کسب درآمد بودند؛ مانند اشعاری که ابوالعتاهیه در مورد عتبه کنیز خیزران می گفت (مسعودی، ۲ / ۳۲۱) چرا که عموماً شاعران اشعار مبتذل درباره زنان آزاد نمی سرودند یا کم می سرودند و بیشتر اشعار ناشایست خود را به کنیزان نسبت می دادند؛ چرا که می دانستند اگر این اشعار را مستقیماً به زنان آزاده نسبت دهند با برخورد بسیار بد جامعه عباسی رو به رو خواهند شد (ضیف: ۱۳۸۴، ۶۸). همچنین آنان کنیزان را به حیوانات مانند خرگوش و شتر و... توصیف می کردند (خزاعی، ۱۴۸؛ فرهنگ: ۱۳۳۷، ۸۲۹-۸۳۰).

چنانچه ابوالعتاهیه شاعر معروف دوره عباسی در مورد عتبه کنیز خیزران همسر مهدی غزل می گفت، عتبه نزد خیزران و مهدی از او شکایت کرد و ابوالعتاهیه تازیانه خورد (مسعودی، ۱۳۷۰، ص ۳۲۱) علاوه بر ابوالعتاهیه، شعرائی مانند ابونواس بختری، دعبل خزاعی، ابی تمام، عباس بن احنف، دیک الجن حمصی، مسلم بن ولید، مطیع با ایاس، بشار بن برد، ابی فراس در شعرشان به توضیح وقیح در مورد کنیزان پرداختند (ابن عبدربه: ۱۴۲۸، ۵ / ۲۶۳؛ دیوان بشار بن برد، صفحه ۷۰۶، دیک الجن حمصی عبدالسلام بن رغبان و حیاته و فنون شعره، صفحه ۳۷، دیوان ابی نواس، صفحه ۴۰، تاریخ الدب العربی فی العصر العباسی، صفحه ۵۹، الرثا فی الشعر العصر العباسی حتی النهایة القرن الثالث الهجری، صفحه ۶۵؛ الحركة الادبیه فی مجالس هارون الرشید، صص ۱۳۶۰ تا ۱۴۰) در دوره هارون الرشید، شخص خلیفه از شاعران می خواهد در توصیف کنیزان شعر بسراید که همین امر سبب رواج بی حرمتی به زنان می شود (ضیف: ۱۳۸۴، صص ۲۰۵-۲۰۶).

نتیجه گیری

با انتقال قدرت سیاسی از امویان به عباسیان و نفوذ عناصر غیر عربی در نظام تشکیلاتی عباسی و رونق بلاد اسلامی در زمینه های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، تلقی جامعه نسبت به زن تغییر یافت. و این مسئله بر جایگاه سیاسی و اجتماعی کنیزان در جامعه عصر اول حکومت عباسی تأثیر بسزایی را به همراه داشت. یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد تجارت وسیع کنیزکان در این دوره موجب رونق اقتصادی عباسیان می گردد. بنابراین تغییر و تحولاتی زیادی در جایگاه کنیزان این دوره رخ می دهد و از این نظر طیف قابل توجهی از کنیزان توسط مریبان حاذق و ماهر زمان آموزش می دیدند که تمام این آموزش ها و تعلیمات با همان اهداف ذکر شده یعنی کسب درآمد و رسیدن به مناصب و منافع سیاسی و اقتصادی بوده است به عبارت دیگر کنیزان در این دوره همانند کالای بی ارزش مورد استفاده قرار گرفته و نهایتاً در میان امرا و بزرگان دولتی دست به دست می شوند. وضعیت سایر کنیزان نیز به مراتب بدتر از این کنیزان بوده و علاوه بر این، سایر کنیزان از موقعیت مناسبی برخوردار نبوده و بسیاری از آنان به کارهای طاقت فرسا می پرداختند. با اینحال، کنیزان با استعداد، با انگیزه های مختلف مانند کسب درآمد بیشتر، نفوذ در دربار، جاسوسی و فخر فروشی، خواندن قرآن، تبحر در علوم مختلف و انواع هنرها، شعر و موسیقی، آوازخوانی، توانستند فارغ از نابرابریهای اجتماعی نقش مهمی در آن جامعه عصر اول خلافت عباسی ایفا نمایند.

منابع و ماخذ

۱. ابن العبري، غريغوريوس الملطى، ۱۹۹۲، تاريخ مختصر الدول، انطون صالح اليسوعى، بيروت: دارالشرق.
۲. ابن طباطبا، محمد بن على، ۱۳۶۰، تاريخ فخرى، ترجمه محمد وحيد گليباگانى، تهران: بنگاه ترجمه و نشر كتاب.
۳. ابن عبدربه، ۱۴۲۹-۱۴۲۸، عقد الفريد، محمد سعيد عريان، المجلد الخامس، بيروت- لبنان: دارالفكر للطباعة و النشر.
۴. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، ۱۴۰۷، البداية و النهاية، بيروت: دارالفكر.
۵. ابن مسكويه، احمد بن محمد، بى تا، تجارب أمم، محقق ابوالقاسم امامى، تهران: سروش.
۶. ابن منظور، ۱۳۷۵، لسان العرب، بيروت: دارصادر.
۷. ابونواس، حسن بن هانى، ۱۴۳۱، ديوان ابى نواس، ابوظبى - امارات. هيئه ابوظبى للثقافه و التراث. دارالكتب الوطنيه.
۸. احمدوند، عباس، نهاد ولايت عهدى در خلافت اموى و عصر اول عباسى ۱۳۹۰، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامى.
۹. -----، اميرى زهرا، ۱۳۹۲، پديده قهرمانگى در عصر عباسى، مجله تاريخ اسلام، تابستان، سال ۱۴، ش ۵۴، از ص ۸۹-۱۱۴.
۱۰. احنف، عباس، ۱۹۹۷/۱۴۱۷ هـ ق، شرح ديوان العباس بن احنف، شرح مجيد طراد، دار الكتاب العربى.
۱۱. آذر شب: محمد على، ۱۳۸۵، تاريخ الادب العربى فى العصر العباسى، تهران: سمت.
۱۲. اصفهانى، ابى الفرج، ۲۰۰۲، الاغانى، الجزء الثانى، بيروت: دار و مكتبة الهلال .
۱۳. اصفهانى، محمد تقى، ۱۴۱۴، لوامع صاحبقرانى مشهور به شرح فقه، ج ۱، قم: موسسه اسماعيليان.
۱۴. اعتماد السلطنه، محمد بن حسن، ۱۳۶۳، تاريخ منتظم ناصرى، مصحح محمد اسماعيل رضوانى، تهران: دنياى كتاب.
۱۵. امين، احمد، ۱۳۱۵، پرتو اسلام ترجمه فجر الاسلام، تهران: اقبال، جلد ۲.
۱۶. امين، احمد، ۱۴۲۹ ق، ۲۰۰۸، ضحى الاسلام، بيروت: المكتبة العصرية.

۱۷. امین، محسن، ۱۴۰۳، اعیان الشیعه، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۱۸. انصاف پور، غلامرضا، ۱۳۵۹، روند نهضت های ملی و اسلامی ایران از اسلام تا یورش مغول، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۱۹. بدوی، خلیل، ۱۹۹۸/۱۴۱۹ ه.ق، موسوعة شهیرات النساء، عمان: دار اسامه للنشر.
۲۰. بشار بن برد، ۱۹۹۸، دیوان بشار بن برد، صلاح البین الهواری، دارالمکتبة الهلال.
۲۱. بندر ریگی، محمد، ۱۳۷۴، المنجد، تهران: انتشارات ایران.
۲۲. بووا، لوسین، ۱۳۸۰، برمکیان بنا بر روایت های مورخان ایرانی و عرب، عبدالحسین میکده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۳. تبریزی، محمد حسن بن خلف، ۱۳۵۷، برهان قاطع، به اهتمام دکتر محمد معین، تهران: امیرکبیر.
۲۴. جاحظ، ابی عثمان عمرو بن، بی تا، رسائل، محمد باسل عیون السود، الجزء الثالث، بی جا.
۲۵. حتی، فیلیپ، ۱۳۴۴، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تبریز: کتابفروشی حاج محمد کتابچی حقیقت.
۲۶. حسن ابراهیم حسن، ۱۳۷۶، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات جاویدان، جلد ۲.
۲۷. حسن نصیری جامی، ۱۳۹۳، علی بن حسین فخر الدین صفی، لطائف الطوائف، تهران: مولی.
۲۸. حلی، عبدالحسین عباس، ۲۰۰۸-۱۴۲۹ ه.م، الرثا فی الشعر العربی العصر العباسی حتی نهایت القرن الثالث الهجری، بیروت-لبنان، دارالقاری، الطبعة الاولى.
۲۹. حلی، عبدالحسین، ۱۴۲۹ ه-۲۰۰۸ م، الرثا فی الشعر العربی العصر العباسی حتی نهایت القرن الثالث الهجری، بیروت: دارالکتب العربی.
۳۰. حلیبی، محمود، ۱۴۲۹، الحکره الادبیه فی مجالس هارون الرشید، الدار العربیه للموسوعات.
۳۱. حمصی، دیک الجن، ۱۴۱۱-۱۹۹۰ م، دیک الجن عصره و حیاته و فنون الشعریه، حسن جعفر نور الدین، بیروت-لبنان، دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولى.
۳۲. خزاعی، دعبل بن علی، ۱۴۱۴ ق/ ۱۱۱۴ م، دیوان دعبل بن علی الخزاعی، بیروت: دار الکتب العربی،

آقا محمدی و همکاران : نگاهی به وضعیت آموزشی کنیزان در عصر اول ... ۱۳۳

۳۳. خفاجی، محمد عبدالمنعم، ۱۴۱۰، الادب العربی و تاریخه فی العصرین الاموی و العباسی، بیروت: دار الجلیل.
۳۴. دینوری، ابوحنیفه احمد، بی تا، أخبار الطوال، طباعة شریف الرضی.
۳۵. دینوری، ابن قتیبه، ۱۴۲۶ق-۲۰۰۵م، الامامة و السياسة، بیروت: المكتبة المصریه.
۳۶. راوندی، مرتضی ۱۳۷۸، تاریخ اجتماعی ایران، تهران: نشر نگاه.
۳۷. رحیم، عبدالحسین مهدی، ۱۳۷۰، العصر العباسی الاول الموهلات و الانجازات، طرابلسک الجامعة المفتوحة، دارالکتب الوطنیه.
۳۸. زیدان، جرجی، ۱۳۹۴، امین و مامون، ترجمه محمد علی شیرازی
۳۹. -----، ۱۳۷۹، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام: تهران، امیر کبیر.
۴۰. -----، ۱۳۶۹، تاریخ و تمدن اسلام، علی جواهر کلام، تهران: امیر کبیر.
۴۱. ژان، شاردن، سفرنامه شاردن، ۱۳۹۳، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس.
۴۲. ضیف، شوقی، ۱۳۸۴، هنر و سبکهای شعر عربی، مرضیه آباد، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۴۳. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۷۵، تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک)، ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
۴۴. عبدالعزیز، محمود بن سعود، الحركة الادبیه فی مجالس هارون الرشید، الدار العربیه للموسوعات، المجلد الاول.
۴۵. فاخوری، حنا، بی تا، تاریخ ادبیات زبان عربی، عبدالحمید آیتی، تهران: توس.
۴۶. فرهنگ، موسی، ۱۳۳۷، هزار و یک شب، بنگاه مطالعاتی گوتنبرگ
۴۷. فروخ، عمر، ۲۰۰۶م، تاریخ الادب العربی، الجزء الثاني، بیروت-لبنان، دارالعلمیه للملایین.
۴۸. قمی، حسن بن محمد، ۱۳۶۱، تاریخ قم، تهران: توس.
۴۹. کحاله، عمررضا، ۱۳۶۳، ۱۴۰۴، اعلام النساء فی العالمی العرب و الاسلام، بیروت : موسسه الرساله.
۵۰. کانپوری، محمد، بی تا، برمکیان یحیی-فضل-جعفر یا دور نمائی عصر طلایی اسلام و دستگاه خلافت اسلامی، سید مصطفی طباطبایی و رام. هف راجا، تهران: سنائی.
۵۱. متنبی، ۱۴۱۷ه-۱۹۹۷م، دیوان المتنبی، علی العسلی، بیروت: منشورات موسسه الاعلمی للمطبوعات.

۵۲. مسعودی، علی بن حسین، ۱۴۰۹، مروج الذهب و معادن الجواهر، اسعد داغر، قم: دارالهجرة.
۵۳. مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۷۰، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، جلد ۲.
۵۴. مسعودی، ابوالحسن، ۱۳۸۵، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی فرهنگی، جلد ۴، چاپ سوم.
۵۵. ممتحن، حسینعلی، ۱۳۵۶، نهضت شعوبیه، تهران: شرکت کتابهای جیبی.
۵۶. ممتحن، حسینعلی، ۱۳۹۶، نهضت صاحب الزنج یا قیام خونین بردگان در عراق (قرن سوم هجری) تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۵۷. معتضد، خسرو، ۱۳۷۸، هارون الرشید و شب سرخ بغداد، تهران: زرین.
۵۸. ملایری، محمد مهدی، ۱۳۷۹، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، تهران: نشر توس، جلد ۲.
۵۹. نجاتی، محمد سعید، ۱۳۹۶، چرایی کنیززادگی و کنیزداری امام هادی (ع)، سخن تاریخ، شماره ۲۶، صص ۱۱۳-۱۳۴.
۶۰. نوبختی، حسن بن موسی، ۱۴۰۴، فرق الشیعه، بیروت: دار الاضواء.
۶۱. هدایت، رضاقلی، ۱۳۷۳، فهرس التواریخ، مصحح: عبدالحسین نوایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶۲. ذاکر جعفری، نرگس، ۱۳۹۷، «نقش کنیزان رامشگر در موسیقی قرون اولیه اسلامی»، فصلنامه زن در فرهنگ و هنر، سال دهم، شماره دوم، صص ۲۱۵-۲۳۵.
۶۳. ولوی علیمحمد، کاردان سیده گلنوش، ۱۳۹۶، سنخ شناسی عملکرد سیاسی زنان در دستگاه خلافت عباسی، مجله تاریخ اسلام و ایران، زمستان، ش ۳۶، از ص ۱۳۵-۱۵۹.
۶۴. کاظم نیا، فریبا، ۱۳۸۹، دلالت های کارکرد شناسانه کنیزان در دوره میانه بر پایه نامهای آنان، تاریخ و تمدن ملل اسلامی، شماره ۱۲، سال ششم، پاییز و زمستان.
۶۵. -----، ۱۳۸۷، پایان نامه «کنیزان در ایران از طاهریان تا مغول»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، استاد راهنما هادی عالم زاده.